

در تجمع عزاداران امام صادق(ع)

پناهیان: مفاد پیام امام صادق(ع) به ابومسلم این بود که «فراهم شدن قدرت توسط هر کس و به هر شیوه را قبول نمی‌کنیم»/ مافوق دموکراسی‌گرایی غربی! / امام صادق(ع) پاکی قدرت و احترام به درک انسان‌ها را به جهان بشریت نشان داد / یک روایت برای سیاستمداران و دولتمردان / رسول خدا(ص) حکم اعدام توطئه‌کنندگان را به خاطر نفوذ افراد نادرست در میان مردم اجرا نکردند

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در سالروز شهادت امام صادق، و در جمع عزاداران صادق آل محمد(ص) که در میدان فلسطین تهران گرد آمده بودند گفت: ابومسلم خراسانی کسی بود که به اسم اهل‌بیت(ع) قیام کرد، اما دستورات اهل‌بیت(ع) را در مسیر قیام خودش رعایت نمی‌کرد. او حتی شعارهای اهل‌بیتی می‌داد و می‌گفت که می‌خواهم انتقام خون اهل‌بیت(ع) را بگیرم. او علیه بنی‌امیه و بنی‌مروان قیام کرده بود و صدها هزار نفر را به کشتن داد ولی نتیجه قیام او حکومت بنی‌عباس شد؛ بنی‌عباسی که کمتر از بنی‌امیه به اهل‌بیت(ع) ظلم نکردند.

در ادامه فرازهایی از سخنان ایشان را می‌خوانید:

امام صادق(ع) نورانیت و پاکی قدرت و احترام به درک و فهم انسان‌ها را به جهان بشریت نشان داد / خیلی‌ها از امام صادق(ع) خواستند برای به دست گرفتن قدرت قیام کنند ولی چون مردم زمانه، بصیرت لازم را نداشتند حضرت قبول نکرد

- ما نباید امام صادق(ع) را فقط رئیس مذهب تشیع بدانیم. بلکه ایشان رئیس جهان اسلام است، و رؤسای همه مذاهب به امام صادق(ع) احترام می‌گذارند. امام صادق(ع) افتخار جهان اسلام است. ایشان نورانیت و پاکی قدرت، احترام به حقوق انسان‌ها، و احترام به درک و فهم انسان‌ها را به جهان بشریت نشان داد.
- فقط بعد علمی و تعلیماتی امام صادق(ع) نیست که به ایشان عظمت داده است. نحوه برخورد ایشان با مقوله قدرت و سیاست هم خیلی موجب عظمت یاد ایشان است. در جهان اسلام آن زمان که خیلی هم وسعت پیدا کرده بود، افراد زیادی آمدند و از ایشان خواستند که برای به دست گرفتن قدرت قیام کنند ولی حضرت نگاه کردند و دیدند مردم زمانه، آن بصیرت و همت لازم را ندارند لذا قبول نکردند و به دوستان خود و به دیگران جواب رد دادند. حتی این موجب شد دیگران بیایند و قدرتی که برای ایشان مهیا بود را تصاحب کنند و به خود ایشان ظلم کنند. این نحوه برخورد امام صادق ع با مقوله قدرت چه پیامی برای امروز ما دارد؟

مفاد پیام امام صادق(ع) به ابومسلم: فراهم شدن قدرت توسط هر کس و به هر شیوه را قبول نمی‌کنیم / اهمیت پاکی قدرت نزد امام صادق(ع)

- **ابومسلم خراسانی کسی بود که به اسم اهل‌بیت(ع) قیام کرد، اما دستورات اهل‌بیت(ع) را در مسیر قیام خودش رعایت نمی‌کرد. او حتی شعارهای اهل‌بیتی می‌داد و می‌گفت که می‌خواهم انتقام خون اهل‌بیت(ع) را بگیرم، (الحیاه السیاسیه للامام الرضا(ع)، جعفر مرتضی‌العاملی/ص ۲۹-۴۳) او علیه بنی‌امیه و بنی‌مروان قیام کرده بود و صدها هزار نفر را به کشتن داد ولی نتیجه قیام او حکومت بنی‌عباس شد؛ بنی‌عباسی که کمتر از بنی‌امیه به اهل‌بیت(ع) ظلم نکردند. ابومسلم در مسیر حرکت خودش وقتی به امام صادق(ع) نامه نوشت که ما**

داریم قدرت را برای شما فراهم می‌کنیم (إِنِّي دَعَوْتُ النَّاسَ إِلَى مَوْلَاةِ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنْ رَغِبْتَ فِيهِ فَأَنَا أَبَايُكُ؛ همان منبع/ص ۴۱)، حضرت یک جواب کوتاه و بسیار عمیق به او داد و فرمود: «تو از مردان من نیستی و زمانه هم زمانه من نیست؛ مَا أَنْتَ مِنْ رِجَالِي وَ لَا الزَّمَانِ زَمَانِي» (همان منبع) یعنی هر کسی و به هر شیوه‌ای برای ما قدرت فراهم کند، ما از او قبول نمی‌کنیم. این سخن نشان‌دهنده نگاه حضرت به پاکی قدرت است.

- اگر امروز در دانشگاه‌های دنیا بخواهند به صورت نظری از آزادی و رعایت حقوق بشر و دخالت انسان‌ها در سرنوشت خودشان سخن بگویند و به زیباترین صورت و حتی به صورت غیرواقع‌بینانه و خیالی از دموکراسی و از ارزش آدم‌ها چیزی بگویند سخنی پیشرفته‌تر از این سخن امام صادق (ع) پیدا نمی‌کنند.
- حضرت به ابومسلم خراسانی می‌فرماید «تو آدم ما نیستی». یعنی درست است که به ظاهر داری برای ما شمشیر می‌زنی، ولی ما این کار تو را نمی‌توانیم قبول کنیم، چون تو در شمشیر زدن تقوا را رعایت نمی‌کنی، چون دستورات الهی و حقوق آدم‌ها را که خدا مقرر کرده است، رعایت نمی‌کنی.
- شاید اگر بسیاری از مذهبیبون یا آزادی‌خواهان به زندگی ابومسلم خراسانی نگاه کنند، از او تقدیر کنند و بگویند او داشت مردم را از ظلم سفاکان بنی‌مروان نجات می‌داد، ولی امام صادق (ع) این آدم را انتخاب نکرد و فرمود تو آدم من نیستی! اگر ما بودیم، شاید می‌گفتیم: چون بالاخره دارد یک کاری می‌کند که قدرت دست آدم‌های صالح بیفتد و همین مقدارش خوب است! ولی حضرت او را انتخاب نکرد.

باید پای همه دین ایستاد / اینکه فقط قسمت‌هایی از دین رعایت شود و بقیه عمداً دور ریخته شود و به

چند شعار دینی و انقلابی اکتفا شود ارزش ندارد

- اهل‌بیت (ع) این‌طور نیستند که به هر قیمتی بخواهند قدرت و حاکمیت را به دست بیاورند، ارزش این نگاه را امروز مردم مغرب زمین که خیلی فضای ذهنی آنها را سخنان آزادی‌خواهانه و حقوق بشری پر کرده است خیلی بهتر می‌فهمند و قدر یک چنین شخصیت بزرگی را می‌دانند. امام صادق (ع) در آستانه تصاحب قدرت بود ولی حاضر نشد قدرت را به دست بگیرد. هیچ امامی به اندازه امام صادق (ع) یار نداشت ولی حضرت یاری آنها را قبول نکردند و فرمودند این یاری شما ظاهری است، شما باید بتوانید پای همه دین خوب بایستید. اینکه فقط قسمت‌هایی از دین رعایت شود و بقیه عمداً دور ریخته شود و به چند شعار دینی و انقلابی اکتفا شود ارزش ندارد. خیلی اهمیت دارد که ما این مطلب را در ذهن خودمان داشته باشیم و در مواقع مختلف به آن توجه کنیم.
- باید دید چه کسانی واقعاً در حد آدم‌های امام صادق (ع) و آن ۳۱۳ نفری که حضرت منتظرشان است، هستند. شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: چرا نشسته‌اید و برای گرفتن حقتان قیام نمی‌کنید؟ به خدا قسم اگر امیرالمومنین (ع) این تعداد یار و یاور داشت (صد هزار، بلکه دویست هزار نفر) هرگز دیگران در گرفتن حق وی طمع نمی‌کردند! آنگاه امام صادق فرمود: اگر به تعداد این گوسفندان یاور داشتم قیام می‌کردم! وقتی گوسفندان را شمردند، دیدند تنها هفده عدد بودند! (... فَقَالَ: وَ اللَّهُ يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شِيعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسِعَنِي الْقُودُ وَ نَزَلْنَا وَ صَلَّيْنَا فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الصَّلَاةِ عَطَفْتُ عَلَى الْجِدَاءِ فَعَدَدْتُهَا فَإِذَا هِيَ سَبْعَةٌ عَشْرَ؛ کافی/ج ۲/ص ۲۴۲)

- این نشان دهنده ضرورت پاکی قدرت در اسلام است و نشان می‌دهد که امام صادق(ع) چقدر در مورد یاران خود سختگیر هستند و چقدر استانداردهای مورد نظر حضرت بالاست، ایشان هر خدمتی را از هر کسی نمی‌پذیرند. لذا اگر قدرت به دست امام صادق(ع) می‌افتاد، قدرت پاکی می‌شد.

ما فوق دموکراسی‌گرایی غربی! در مکتب امام صادق(ع) ارزش فهم مردم و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود یک سخن شعاری نیست / اما غربی‌ها با فریب فقط دنبال رای مردم هستند

- امام صادق(ع) در قسمت دوم کلام خود به ابومسلم می‌فرماید: «وَلَا الزَّمانَ زَمَانِي؛ زمانه هم زمانه من نیست» یعنی به فرض که قدرت به دست ما بیفتد، ولی تا وقتی مردم عمیقاً دین را نفهمیده باشند، فایده ندارد. یعنی ما در زمانی حکومت خواهیم کرد که مردم عمیقاً دین ما را نفهمیده باشند و از صمیم دل ما را بخواهند. این سخن ما فوق سخن دموکراسی‌گرایی و حقوق‌بشربازی غربی‌هاست. در مغرب زمین با دروغ و فریب، دنبال به دست آوردن رای مردم هستند و بعد دیگر برایشان مهم نیست که چه بشود.
- در مکتب امام صادق(ع) اینکه مردم باید بر سرنوشت خودشان حاکم شوند، و اینکه فهم و اعتقاد مردم ارزش دارد یک سخن شعاری نیست. اینکه حضرت فرمودند «زمانه زمانه من نیست»، یعنی وقتی مردم عمیقاً حق را نمی‌فهمند و نمی‌خواهند، پس ما اهل‌بیت(ع)، غربت را تحمل می‌کنیم؛ یعنی ما این قدر برای فهم مردم احترام قائل هستیم. این در حالی بود که قدرت تقریباً در دست‌های امام صادق(ع) بود، و اصلاً بنی‌العباس به اسم اهل‌بیت(ع) قدرت پیدا کردند.
- اکنون شما این نگاه و رفتار امام صادق(ع) را در مقابل باوه‌سرایی غربی‌ها بگذارید که اینقدر جنایت می‌کنند و بعد شعار حقوق بشر سر می‌دهند. اینها به حدی با جنایت‌های خودشان ننگ بشریت شده‌اند، که دیگر بعید است در عالم هیچ متفکری باشد که در عرصه سیاست از یک نظام سرمایه‌داری یا دموکراتیک، و این مفاهیم حقوق بشری که غربی‌ها به دنبالش هستند، حتی به لحاظ نظری دفاع کند و آنها را قابل تحقق بداند.
- وزیر امور خارجه سابق آمریکا خودش اعتراف کرد که ما القاعده را درست کرده‌ایم. (فارس/خبر ۹۲۱/۰۷۰۰۰۷۰۰۱۰۳۹۰۱) امروز هم به همین قبیل گروه‌هایی آدم‌هایی که خودشان به وجود آورده‌اند، بمب شیمیایی می‌دهند تا مردم را بزنند، بعد به دروغ می‌گویند: این بمب‌های شیمیایی را دولت سوریه زده است، پس ما باید دولت سوریه را بزنیم! در حالی که تقریباً یقین دارند هیچ آدم مطلع و عاقلی در عالم دروغ‌های اینها را باور نمی‌کنند. ولی کارشان به اینجا رسیده که به این ترندهای سخیف و مفتضحانه دست می‌زنند. چرا کارشان به اینجا رسیده؟ چون حقیقتاً برای آدم‌ها ارزش قائل نیستند.
- طبق نظر بسیاری از اندیشمندان جهان، دموکراسی یک فریب و یک اشرافیت مدرن بیشتر نیست. حالا **مردمی که در اروپا و آمریکا و جاهای دیگر زندگی می‌کنند و با مفاهیم حقوق بشر آشنا هستند، آنها را بیاورید و با امام صادق(ع) آشنا کنید و بگویید امام ما این قدر برای آدم‌ها احترام قائل بودند که حکومت به آنها پیشنهاد شد اما حاضر نشدند حکومت کنند، برای اینکه نگاه می‌کردند و می‌دیدند که مردم عمیقاً متوجه نیستند.**

هنگام هجوم مردم برای بیعت با امیرالمؤمنین(ع)، درابتدا حضرت نپذیرفتند، چون زمانه زمانه ایشان نبود/ حکومت دینی، حکومتی است که به رأی ظاهری مردم اکتفا نمی‌کند و رأی باطنی مردم را هم می‌خواهد

- نمونه دیگری از رفتار امام صادق(ع) را در امیرالمؤمنین علی(ع) می‌بینید که وقتی مردم آمدند در خانه امیرالمؤمنین(ع) و از حضرت خواستند حکومت را قبول کنند، حضرت قبول نکردند(۱) و مردم را به در خانه زبیر برد و صدا زد: زبیر! تو بیا و خلافت را قبول کن! من با تو بیعت می‌کنم و به تو کمک می‌کنم. این یعنی امیرالمؤمنین(ع) داشتند می‌فرمودند «زمانه زمانه من نیست». در واقع زبان حال امیرالمؤمنین(ع) چیزی شبیه به همین کلام امام صادق(ع) بود. یعنی الان مردم احساساتی شده‌اند و به در خانه من آمده‌اند ولی عمیقاً نمی‌فهمند و نمی‌توانند حکومت علی بن ابیطالب(ع) را تحمل کنند. قطعاً امیرالمؤمنین(ع) تعارف نداشتند و نمی‌خواستند زهدفروشی کنند، اما وقتی به حد اجبار رسید حضرت مجبور شدند خلافت را قبول کنند و الا زمانه زمانه حضرت نبود. لذا در تاریخ می‌بینید که به سرعت ثابت شد این آدم‌هایی که در خانه علی(ع) آمدند، آدم‌های حضرت نبودند و همان طلحه و زبیر که جزء اصرارکننده‌ها و اولین بیعت‌کنندگان بودند، اولین کسانی شدند که با حضرت جنگ کردند.
- حکومت دینی، یک حکومتی است که به رأی ظاهری مردم هم اکتفا نمی‌کند و رأی باطنی مردم را می‌خواهد و این افتخار ماست که امام صادق(ع) نمونه عالی این حقیقت است. البته همه امامان ما همینگونه‌اند، اما زمانه به هیچیک از امامان اینقدر که به امام صادق(ع) اقبال کرده بوده اقبال نکرده بود و هیچ امامی مثل امام صادق(ع) این قدر زمینه حکومت نداشته است؛ به حدی که عادت دوستان‌شان شده بوده که از حضرت تقاضا می‌کردند چرا شما قیام نمی‌کنید؟
- اینکه حضرت امام(ره) قیام فرمودند و این نظام اسلامی را برقرار کردند هم به این دلیل بود که با آن بصیرت بی‌نظیر دریافته بودند مردم حقیقتاً خواهان اسلام هستند و توان درک معانی و مبانی عمیق اسلام را دارند و تاریخ صحت این نگاه حضرت امام را اثبات کرد.

یک روایت برای سیاستمداران و دولتمردان/امام صادق(ع): اگر قدرت در دست من بود، شبانه‌روز باید برای خدمت به مردم تلاش می‌کردیم

- این روایت را هم برای سیاستمداران و دولتمردان می‌گوییم! یکی از اصحاب امام صادق(ع) به نام مفضل می‌گوید: در اعمال حج وقتی غربت حضرت را دیدم و از آن طرف دشمنان حضرت را دیدم که مکتبی دارند، به ایشان عرض کردم: «ای کاش قدرت در دست شما بود!» حضرت فرمودند: ای مفضل، اگر قدرت در دست من بود، تو شب تا صبح باید می‌نشستی کنار من به برنامه‌ریزی اقدام می‌کردی و صبح تا شب هم باید برای خدمت کردن به مردم تلاش می‌کردی، و ما باید مثل امیرالمؤمنین(ع) به خودمان سخت می‌گرفتیم. الان قدرت در دست من نیست، و می‌توانی استراحتی کنی و آسوده باشی. (كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ بِالطَّوَأْفِ فَظَنَرْتُ إِلَيْيَ وَ قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ مَا لِي أَرَاكَ مَهْمُومًا مُتَغَيِّرَ اللَّوْنِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نَظَرْتُ إِلَى بَنِي الْعَبَّاسِ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ هَذَا الْمُلْكِ وَ السُّلْطَانِ وَ الْجَبْرُوتِ فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ لَكُمْ لَكُنَّا فِيهِ مَعَكُمْ فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَاسَةُ اللَّيْلِ وَ سَبَاحَةُ النَّهَارِ وَ أَكْلُ الْجَشِيبِ وَ لُبْسُ الْخَشَنِ شِبْهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ إِلَّا فَالنَّارُ فَرُوزِي ذَلِكَ عَنَّا فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ وَ هَلْ رَأَيْتَ ظَلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً مِثْلَ هَذَا؛ غيبت نعمانی/ص ۲۸۷)

- معنایش این است که اگر قدرت در دست اهل بیت (ع) باشد، کارگزاران حکومت در آسایش و راحتی نخواهند بود بلکه باید شبانه روز برای خدمت به مردم تلاش کنند. لذا امام زمان (ع) نسبت به دو گروه سخت گیر هستند، یکی دشمنان، و دیگری دوستان و کارگزاران خودشان. یعنی به کارگزاران خودشان هم خیلی سخت گیر هستند و از آنها توقع کار و خدمت شبانه روزی دارند.

رسول خدا (ص) حکم اعدام توطئه کنندگان را به خاطر نفوذ افراد نادرست در میان مردم اجرا نکردند /

اتکای قوت و ضعف حکومت دینی به معرفت مردم

- البته گاهی یک حکومت دینی هم به خاطر ضعف معرفت مردم، مشکلاتی برایش پیش می آید و ضعیف می شود و افراد نادرست هم در حکومت نفوذ پیدا می کنند. که برای رفع این مشکلات هم باز نیاز به معرفت و بصیرت مردم و خواص جامعه است. کما اینکه در حکومت پیامبر گرامی اسلام (ص) عده ای از همین افراد نادرست حتی قصد ترور پیامبر (ص) را داشتند. اما وقتی توطئه آنها لو رفت و موفق نشدند، یکی از یاران حضرت به نام حذیفه از ایشان خواست این خائنین را اعدام نماید و یا لاقفل آنها را رسوا کند، حضرت در پاسخ به او فرمود: مردم معرفتش را ندارند و لذا نمی توانند این مسأله را تحمل کنند و (به دنبال سخن افراد دارای نفوذ در مردم) برای ما حرف در می آورند و می گویند: پیامبر اکرم (ص) یاران خودش را زد. (أَكْرَهُ أَنْ يَتَحَدَّثَ النَّاسُ وَ يَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ وَضَعَ يَدَهُ فِي أَصْحَابِهِ: اعلام الوری/ ۱۲۳)

- حکومت دینی خیلی به معرفت حقیقی مردم وابسته است. البته وقتی حکومت دینی برقرار شد، دیگر اگر کسانی مثل طلحه و زبیر که بهانه درست کردند و جلوی امیرالمؤمنین (ع) و حکومت حق ایستادند، حضرت آنها را از دم شمشیر می گذراند. اگر گروهی از مردم فریب خوردند یا به شقاوت افتادند مثلاً به صورت خوارج در مقابل علی (ع) قرار گرفتند، حضرت بعد از نصایح فراوان، همه آنها را هم از دم شمشیر می گذراند. وقتی حکومت حق برقرار شد، اگر کسی مثل معاویه در مقابل حضرت ایستاد و کاخ سبز خود را تحویل نداد، حضرت با او نبرد کرد. وقتی امام زمان (ع) ظهور بفرمایند و آن حکومت حق برقرار شود، اگر کسانی بخواهند مردم فریبی کنند و به هر طریقی سد راه بشوند، حضرت آنها را هم گردن خواهد زد.

- **زیباترین جلوه پاکی قدرت را در دستان امام صادق (ع) می توانید ببینید. درست است که امام صادق (ع) حکومت نکردند، ولی نحوه حکومت کردن را نشان دادند، امروز این افتخار ما برای اهل عالم است که امام صادق (ع) در موضوع قدرت این گونه برخورد کردند. البته امام صادق (ع) تمام تلاش خود را برای افزایش معرفت مردم و ایجاد انسجام بین مومنین انجام دادند و در جهت تشکیل حکومت به صورت اساسی اقدام کردند، اما در آن مقطع به نتیجه نرسید.**

تحمیل نکردن از سوی اهل بیت (ع) فقط جنبه اجتماعی و حکومتی ندارد، بلکه جنبه فردی هم دارد /

اهل بیت (ع) کسی را وادار به تبعیت و پیروی و خدمتگزاری نمی کنند

- این تحمیل نکردن از سوی اهل بیت (ع) فقط جنبه اجتماعی و حکومتی ندارد، بلکه جنبه فردی هم دارد. دوستان امام صادق (ع) باید خیلی مراقب باشند. اهل بیت (ع) به این سادگی ها کسی را وادار به تبعیت و پیروی و خدمتگزاری نمی کنند. امامان ما به قدری بزرگوار هستند، که چیزی را به کسی تحمیل نمی کنند. یک وقت فکر نکنید که امام زمان (ع) عشق را به شما تحمیل می کند، بلکه فرصت می دهد شما خودت عاشق بشوی. یک وقت فکر نکنید ایشان فرشته ای را می فرستد که شما را در زندگی تان در یک تنگنایی قرار دهد تا مجبور شوید به حضرت کمک کنید! اصلاً این طور نیست. منتظر نباشید کسی شما را مجبور کند به امام زمانت خدمت

کنی، آزاد باش، جمعه‌هایت مال خودت است، و می‌توانی به تفریح و سرگرمی خودت برسی. مجبور نیستی برای دین و امام زمان و امام حسین خودت وقت بگذاری. اگر خودت فهمیدی، عاشق شدی و منت کشیدی، شاید این توفیق را به تو بدهند.

• آیه «أَنْزَلْنَاهُمْ مَكُومًا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود/۲۸) را که زبان حال امام صادق (ع) هست را حتماً شنیده‌اید، یعنی «من ما شما را به پذیرش آن مجبور نمی‌کنیم در حالی که از آن کراهت دارید» این آیه کریمه، سخن حضرت نوح (ع) است که به اهل عالم اعلام می‌کند: هر کسی دین را نخواهد، خداوند متعال او را مجبور به دین‌داری نمی‌کند. به این سادگی‌ها خدا حاضر نمی‌شود توفیق دین‌داری به او بدهد.

• این ما هستیم که باید این قدر برویم در خانه امام صادق (ع) منت بکشیم، تمنّا کنیم، تقاضا کنیم تا آقا به ما عنایت کنند. ولی وقتی عنایت کنند، دیگر کم عنایت نمی‌کنند. ما دوستان امام زمان (ع) دوست داریم حضرت بیاید به هر نحوی شده دست دل ما و بچه‌های ما را بگیرد، و به سمت خودش بکشاند و ببرد. ممکن است خیلی‌ها بگویند: ما از این آزادی خسته شده‌ایم، بیا ما را به عنوان بنده و غلام خودت قبول کن. اما حضرت به این سادگی قبول نمی‌کند. دستگاه اهل بیت (ع) این طوری است.

• چرا امام صادق بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز غریب هستند؟ چون ناز کسی را نمی‌کشند. لذا وقتی شخصی آمد و به امام صادق (ع) گفت: قیام کنید و ما آماده‌ایم پای رکاب شما شمشیر بزنیم و خودمان را برای شما بکشیم! حضرت به او فرمود: خُب بلند شو برو توی تنور! گفت آخر تنور آتش داغ است، مرا به آتش نیافکنید. حضرت بلافاصله فرمود خب لازم نیست بروی. بعد یکی از دوستان و شیعیان واقعی حضرت از راه رسید و حضرت به او فرمودند برو توی تنور. گفت چشم آقا! اصلاً سؤال نکرد و بلافاصله وارد تنور آتش شد. بعد از اینکه مدتی گذشت، حضرت به آن مرد اول، فرمود: خیلی نگران رفیق‌مان که در داخل تنور است، هستی برو نگاه کن. او هم رفت دید و دید که داخل تنور نشسته و دارد ذکر می‌گوید و آتش برای او «بردا و سلاماً» است. (...ثُمَّ قَالَ قُمْ يَا خُرَّاسَانِي وَ أَنْظِرْ مَا فِي النَّوْرِ قَالَ فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتْرَبِعًا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَ سَلَّمَ عَلَيْنَا فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ ع كَمْ تَجِدُ بِخُرَّاسَانَ مِثْلَ هَذَا فَقُلْتُ وَ اللَّهُ وَ لَا وَاحِدًا؛ مناقب آل ابیطالب ع/ج/۴/ص/۲۳۷)

• نه اینکه این دوستان خاص اهل بیت (ع)، مقلدهای چشم و گوش بسته‌ای هستند و تبعیت کورکورانه می‌کنند، نه! این قدر عقل دارد که بداند حضرت بی حساب حرف نمی‌زند. یعنی خیلی عقلش می‌رسد و از حضرت حکمت‌های فراوان دیده است.

(۱) امیرالمؤمنین (ع): رهاییم کنید و غیر مرا بخواهید، زیرا ما با حادثه‌ای روبرو هستیم که آن را چهره‌ها و رنگه‌هاست، حادثه‌ای که دلها بر آن استوار، و عقلها بر آن پایدار نمی‌ماند. آفاق حقیقت را ابر سیاه گرفته، و راه مستقیم دگرگون و ناشناخته شده است. بدانید اگر خواسته شما را پاسخ دهم بر اساس آنچه خود می‌دانم با شما رفتار می‌کنم، و به گفتار هیچ گوینده و سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای توجه نمی‌کنم. و اگر رهاییم کنید مانند یکی از شما خواهیم بود، و چه بسا از شما شنواتر و فرمانبردارتر باشم نسبت به کسی که حکومت خود را به او می‌سپارید. و من برای شما وزیر باشم، به است از اینکه امیر باشم؛ دَعُونِي وَ التَّمَسُّوا غَيْرِي فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَ أَلْوَانٌ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ وَ لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَ إِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتُ وَ الْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ. وَ اعْلَمُوا أَنِّي إِنِ اجْتَبَيْتُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ وَ لَمْ أُصِغْ إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَ عَنَبِ الْعَاتِبِ وَ إِنِ تَرَكْتُمُونِي فَإِنَّا كَأَحَدِكُمْ وَ لَعَلِّي أَسْمَعُكُمْ وَ أَطُوعُكُمْ لِمَنْ وَ لَيْتُمُوهُ أَمْرُكُمْ وَ أَنَا لَكُمْ وَزِيرًا خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرًا وَ نِيزَ خَطَابَ بِهِ مَرْدَمَ فَرَمُودَنَد: لَا حَاجَةَ لِي فِي أَمْرِكُمْ فَمَنْ اخْتَرْتُمْ رَضِيْتُ بِهِ؛ الكامل في التاريخ، ج ۳، ص: ۱۹۰

